

جلسه خدام هیأت میثاق با شهدا



جلسه خدام هیأت میثاق با شهدا
حجة الاسلام و المسلمین پناهیان

محرم الحرام ۱۴۳۸ - مهرماه ۱۳۹۵





نکاتی درباره هیئت‌داری

- ۳ مقدمه**.....
- ۳ اثر خدمت به دستگاه امام حسین(ع) در زندگی و عاقبت به‌خیری انسان.....
- ۴ نکته اول**.....
- ۴ بخش عمده‌ای از نور جلسه، به برگزارکنندگان هیئت وابسته است.....
- ۴ بسیاری از مشکلات در مسیر برگزاری هیئت، امتحان الهی است.....
- ۵ نکته دوم**.....
- ۵ مواظبت کنید که دچار غرور نشوید.....
- ۶ برگزارکنندگان هیئت، دچار چه غرورهایی می‌شوند؟.....
- ۶ رهایی از عجب و غرور واقعاً سخت است.....
- ۷ قلباً معتقد باشید که هیئت شما ضعیف‌ترین هیئت است.....
- ۷ مردم باید در شما عشق و محبت ببینند، نه غرور.....
- ۸ تواضع خواهران در امر خادمی، پراهمیت‌تر است.....
- ۹ سطح انتظار از خودتان را بالا ببرید تا تواضع پیدا کنید.....
- ۹ نکته سوم**.....
- ۹ «توجه و تمرکز» در هیئت بسیار لازم است؛ همه‌چیز باید فدای «توجه» شود.....
- ۱۰ بلند صحبت کردن خدام هیئت.....
- ۱۰ فشرده‌نشینی و جا دادن بیش از حد مردم.....
- ۱۰ مهدکودک برای نگهداری از بچه‌ها.....
- ۱۰ آسیب‌های احتمالی زیاد شدن جمعیت هیئت.....
- ۱۱ نکته چهارم**.....
- ۱۱ بهره‌برداری حداکثری از فرصت هیئت.....
- ۱۲ هیئت، محله معنوی افراد است.....
- ۱۲ «بیک دعوت» برای مردم محله.....

مقدمه

اثر خدمت به دستگاه امام حسین (ع) در زندگی و عاقبت به خیری انسان

- اولاً باید خدا قوت و خسته نباشید عرض کنم به همه شما بزرگواران که توفیق خدمت به دستگاه امام حسین (ع) را پیدا کرده‌اید، این یک توفیق فوق‌العاده است. طبیعتاً این خدمت؛ چه اینجا و چه هر جای دیگری، آثار بسیار بابرکتی در زندگی انسان خواهد داشت. مخصوصاً این جلسه «هیئت میثاق با شهدا» که تا حدی امید و الگوی هیئات مذهبی قرار گرفته است و توجه خیلی از خوبان و جوانمردان روزگار و همچنین خیلی از مردم کوچه و بازار و محبین اهل بیت (ع) به آن معطوف شده است که همین مسئله، وظیفه و مسئولیت شما را سنگین‌تر می‌کند. واقعاً در این ابتدای جلسه دعا می‌کنم که خداوند از همه شما قبول کند. این خیلی اهمیت دارد که اعمال و خدمات همه ما مرضی رضای حق قرار بگیرد.
- خیال هیچ‌یک از ما آسوده نیست از اینکه «توفیق خدمت در یک هیئت خوب را پیدا کرده‌ایم؛ پس لابد تا آخر در همین مسیر قرار خواهیم داشت!» آن‌هایی که پای رکاب امام حسین (ع) و در حال به شهادت رسیدن بودند، آخر سر باز هم حواس‌شان بود و بررسی می‌کردند که «یا ابا عبدالله آیا از ما قبول کرده‌ای یا نه؟» ان شاء الله خداوند از همه شما قبول بکند.
- ثانیاً، خدمت کردن به دستگاه امام حسین (ع) واقعاً در برکت یافتن زندگی و عاقبت به خیری انسان مؤثر است. در دوران دفاع مقدس، بچه‌هایی که در کنار جهاد، اهل خدمت کردن به دستگاه امام حسین (ع) بودند معمولاً کارهای خیلی بزرگی انجام می‌دادند و مؤثرتر بودند. یقین بدانید در کنار توفیق حضور در دانشگاه امام صادق (ع)، خدمت به دستگاه امام حسین (ع) توفیق بسیار با عظمتی است که برای آینده شما بسیار مؤثر خواهد بود و حتماً شکر آن را به‌جا می‌آورید.
- بنده قرار است در این جلسه چند نکته درباره هیئت‌داری عرض کنم که شاید توجه به این نکات، در مسیر کار مقدس شما مفید باشد:

نکته اول

بخش عمده‌ای از نور جلسه، به برگزارکنندگان هیئت وابسته است

- نکته اول اینکه؛ بخش عمده‌ای از نور جلسه به نور تک تک شما وابسته است. شما مثل آن پرنده‌هایی هستید که برای رهایی از دام، می‌خواهند پرواز کنند و تور را از زمین بلند کنند و دام صیاد را بردارند. اگر یک پرنده در بین آن‌ها پر نزند، طبیعتاً در تلاش مابقی پرندگان اثر منفی دارد و چه بسا آن دام ممکن است روی زمین بیفتد و همه اسیر باقی بمانند.
- نقش تک تک شما در نورانیت جلسه هیئت، کلیدی و مؤثر است. روی بنده که قطعاً تأثیر دارد. بنده که از خودم چیزی ندارم و نور را ابتدا از شما و سپس از بقیه شرکت کنندگان دریافت می‌کنم. بنده قریب به ۵۰ سال است در مجالس مذهبی شرکت می‌کنم و در این مدت بالاخره تجربیاتی اندوخته شده است؛ گرچه آدم نشدیم ولی این تجربیات به دست آمده و ممکن است به درد شما هم بخورد.
- وقتی می‌روم جایی سخنرانی کنم، کاملاً حس می‌کنم نور بانیان و اداره کنندگان جلسه، چقدر مؤثر است! مثلاً گاهی در بین برگزارکنندگان حرف منفی‌ای در رابطه با شخصی به ناحق گفته شده است و یا غیبتی شده است، بنده با چشم خودم دیده‌ام که چه مشکلاتی پیش می‌آید، و آدم می‌تواند حدس بزند که این مشکلات، به چه دلیلی بوده است.
- به هر حال آثار عجیب و غریبی بر نورانیت و سلامت روحی و فکری برگزارکنندگان جلسات مذهبی مترتب است. اگر جلسه بخواهد مرضی رضای حضرت حق قرار بگیرد، مسئولان و برگزارکنندگان باید نورانی باشند. خیلی از افراد و جاها را دیده‌ام که ابتدا بسیار محفل نورانی و خوبی داشتند اما بعد از مدتی فروغش کم شده است، چون دست‌هایی آمده و وارد کار شده است که دیگر کاری از کسی بر نمی‌آید. خیلی مهم است که شما نقش خود را به خوبی ایفا کنید، چون جلسه به نور شما اداره می‌شود. «أَسَسَ عَلَى التَّقْوَى» بودن یک محفل، به همین است؛ به نیت خالص و صفای باطن برگزارکنندگان خیلی ربط دارد.

بسیاری از مشکلات در مسیر برگزاری هیئت، امتحان الهی است

- البته طبیعی است که مشکلاتی در مسیر برگزاری هر مجلسی پیش بیاید، بسیاری از این مشکلات امتحان الهی است، نباید هر مشکلی را به نبودن نورانیت و صفای برگزارکنندگان نسبت داد. برخی از این مشکلات مایه رشد و اجر شماست، یعنی: چون بچه‌های خوبی هستید این مشکلات پیش می‌آید که رشد کنید.



- البته برخی از این مشکلات هم ناشی از ضعف است، انواع و اقسام ضعف‌هایی که می‌تواند برطرف بشود. بالاخره ما همیشه باید بین خوف و رجا با شیم. این هیئت شما سه سال پیش یک قربانی هم داد. این موارد را باید خیلی جدی بگیرید. اصلاً خداوند کار حضرت ابراهیم(ع) را بدون قربانی از او قبول نکرد. حالا من و شما کی هستیم که بدون به‌زحمت‌افتادن، بخواهیم کار کنیم؟!
- شخصی نزد امام محمد باقر(ع) آمد و گفت: من به شما علاقه و محبت دارم، امام(ع) فرمودند: «برو و برای بلا آماده شو!» (فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: وَاللَّهِ إِنِّي لَأُحِبُّكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ. قَالَ: فَاتَّخِذْ لِلْبَلَاءِ جَلْبَابًا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَسْرَعُ إِلَيْنَا وَ إِلَى شَيْعَتِنَا مِنَ السَّبِيلِ فِي الْوَادِي؛ امالی طوسی/۱۵۴) لذا باید منتظر این بلاها باشید؛ حالا یا با حسادت، شما را خواهند زد، یا اینکه یک جایی در زندگی‌تان قربانی می‌دهید. ان شاء الله همیشه در عافیت باشید. اما بالاخره نمی‌شود بی‌زحمت برای اسلام کار کرد؛ یا ضربه می‌خورید به خاطر اینکه آدم خوبی هستید، یا ضربه می‌خورید برای اینکه حواس‌تان را جمع کنید و مغرور نشوید.
- به عنوان مثال، در شب اول و دوم محرم، بلندگوهای هیئت درست نبود، و بنده هم نمی‌دانم این اتفاق برای چه افتاده بود و چشم باطن بین هم ندارم که ببینم چه چیزی پشت سر این جلسه می‌گذرد؟ شاید خداوند خواست با این کار، شما را مراقب کند که مغرور نشوید یا شاید دلایل دیگری داشته باشد. البته نباید سوء ظن داشت؛ مخصوصاً دربارهٔ بچه‌های مخلص هیئت، اما باید مراقب بود.
- به هر حال، نور وجود شما جلسه را پیش می‌برد، نور وجود شما بنده را هم هدایت خواهد کرد، نور وجود شما به ذاکر اهل بیت(ع) هم کمک خواهد کرد، و نور وجود شما به مردم هم کمک می‌کند. خداوند نگاه می‌کند به اینکه چه کسانی دارند جلسه را اداره می‌کنند؟ پس شما مؤثر هستید.

نکته دوم

مواظبت کنید که دچار غرور نشوید

- نکته دوم اینکه؛ شما باید مواظبت کنید که دچار غرور نشوید. بالاخره غرور می‌آید، مثلاً با این عنوان که: «هیئت ما برتر شده است!» و این غرور، واقعاً نابود می‌کند. سال‌ها پیش برخی از هیئت‌های خوب را سراغ داشتیم که خوبان، اخبار آن هیئت‌ها را پیگیری می‌کردند و به آن عشق می‌ورزیدند. اما بعد از مدتی، آن هیئت مثلاً از جمعیت هفتگی ۲ هزار نفری به ۲۰ نفر تقلیل یافته بود.

- مردم چشمِ باطن بین ندارند، ولی همهٔ این مردم، یک ویژگی باطنی را می‌توانند حس کنند و آن «غرور» است. لذا ممکن است کسی یک غروری در شما ببیند و یک‌دفعه از شما بدش بیاید و درست هم بگوید. البته بعضی‌ها منافق‌اند که از شما در هر حال بدشان می‌آید-این برای ما مهم نیست- اما آدم‌های سالم و مردم معمولی، اگر در شما یک‌ذره غرور ببینند، طبیعتاً از شما بدشان می‌آید.
- خداوند به تنها چیزی که رحم نمی‌کند و زمان نمی‌دهد، عجب است؛ دربارهٔ بقیه گناهان معمولاً به انسان فرصت می‌دهد. لذا یک‌وقت ممکن است تصور کنیم کار ما خیلی خوب شده است و به‌همین خاطر، دچار عجب بشویم، اما بلافاصله خدا یک تلنگر یا ضربه‌ای به ما می‌زند که به خودمان بیاییم و از عجب فاصله بگیریم. شاید به تعبیری بتوان گفت، خداوند این عجب و غرور انسان را، بی‌رحمانه تعدیل می‌کند.
- خیلی باید مواظب عجب باشیم. عجب وقتی بیاید به این راحتی از دل بیرون نخواهد رفت. به این سادگی هم آثار بدش با استغفار درست نمی‌شود.

بر گزار کنندگان هیئت، دچار چه غرورهایی می‌شوند؟

- حالا سؤال این است که بچه هیئتی‌ها و مسئولان هیئت، دچار چه غرورهایی می‌شوند؟ مثلاً اینکه با یک حس خاصی بگویند: «ما بچه‌های فلان هیئت هستیم!» یعنی بخواهند این مسئله را همه بفهمند. یا اینکه بگویند: «ما یک هیئت حرفه‌ای داریم که از همه لحاظ عالی است، مداح درجه یک داریم و...» و حتی نسبت به مردم و کسانی که وارد هیئت می‌شوند، یک‌نوع حالت اشیاع داشته باشند و کسی را تحویل نگیرند و آدم حساب نکنند!
- اگر فکر کنید که هیئت شما خیلی عالی است، این حالت غرور شما از چشمان‌تان مشخص است و مردم هم متوجه می‌شوند و از شما بدشان می‌آید. این باعث می‌شود که به تدریج، جذابیت معنوی هیئت کم شود و این پرچم از دست شما گرفته شود.
- وقتی هیئت شما مشهور می‌شود و تعداد زیادی از مردم به هیئت شما مراجعه می‌کنند، باید حس و حال شما مثل وقتی باشد که فقط پنج‌شش نفر به هیئت می‌آیند و شما می‌خواهید تعداد را به ده نفر برسانید. در آن صورت چقدر متواضعانه تر برخورد می‌کنید! مردم از روی اینکه شما چگونه با آنها برخورد می‌کنید، می‌فهمند که غرور دارید یا نه.

رهایی از عجب و غرور واقعاً سخت است

- البته سخت است که یک هیئت، مشهور بشود و سطح آن بالا برود و موقعیت درجهٔ یک داشته باشد اما بچه‌های این هیئت دچار غرور نشوند. لذا افراد هیئت باید روی خودشان کار کنند، ریاضت بکشند، اهل

ذکر گفتن باشند و حتی به تعبیری «دائم‌الذکر» باشند. این، سلوک معنوی شما هیئتی‌ها است و خداوند شما را در این امتحان قرار داده است.

- تقریباً بعید است که آدم بتواند از عجب خلاص شود، خداوند وقتی بخواهد کسانی را از عجب نجات بدهد، آن‌ها را بیچاره می‌کند؛ یا خودشان ریاضت می‌کشند و یا خداوند به آن‌ها ریاضت می‌دهد و یا هردو باهم! یعنی خدا آن‌ها را به گونه‌ای دچار رنج می‌کند تا عجب آن‌ها را کنترل بکند.

قلباً معتقد باشید که هیئت شما ضعیف‌ترین هیئت است

- به هر حال شما باید سعی کنید که دچار غرور نشوید. واقعاً از ته قلب معتقد باشید «کار شما ضعیف‌ترین کار است» در این صورت اصلاً از هیئت شما چیزی کم نمی‌شود و از شما هم چیزی کم نمی‌شود! شما عمیقاً به این مسئله معتقد باشید و مطمئن باشید که ضرر نمی‌کنید. واقعاً هم کارهای ما در برابر توفیقات و برکاتی که خدا می‌دهد و هدایت‌هایی که نصیب‌مان می‌کند و آثاری که عنایت می‌کند، هیچ است.
- مثلاً گاهی اوقات، مردم به هیئت شما می‌آیند و همان دم در می‌نشینند، و شما می‌خواهی به آن‌ها بگویی: «آنجا نشینید! بلند شوید بروید جلو!» حالا این را چگونه به آن‌ها می‌گویی؟ اصلاً شما چگونه می‌توانی به او بگویی «بلند شو برو جلو بشین»؟! چون این شخص الان عزادار امام حسین (ع) است که خاک قدم‌هایش را برای شفای بیماران برمی‌دارند. و طبیعتاً نباید به این سادگی‌ها به او بگوییم «بالای چشمانت ابرو است!» شما ببینید این خادمان اربعین از عشایر عراق، بعضاً چگونه با مردم رفتار می‌کنند؛ چقدر متواضعانه و محترمانه! شما هم باید این‌گونه رفتار کنید و همان حس را داشته باشید و مردم باید این حالت را در شما ببینند.

مردم باید در شما عشق و محبت ببینند، نه غرور

- چندی پیش، بنده به موکب‌داران عراقی اربعین در مشهد عرض کردم: «پایه معنویت پیاده‌روی اربعین، محبت شما به زائرین است» موکب‌داران از بس که با محبت برخورد کردند، جمعیت ۲ میلیون نفری زائرین اربعین الان به ۲۰ میلیون رسیده است! البته بنده نمی‌گویم که شما در هیئت خودتان همان کارها و رفتارها را باید انجام دهید، ولی می‌گویم «حس شما باید همان‌طور باشد» نگاهتان به شرکت‌کنندگان در جلسه هیئت، باید طوری باشد که گویی می‌خواهید به کفش آنها تبرک بجویند؛ با همین حس و حال به آن‌ها بگویید: «بفرمایید داخل!» و بعد ببینید که این کار شما چقدر روی مردم و کسانی که به هیئت می‌آیند، اثر دارد. این‌هاست که کار می‌کند. مگر آیه‌الله العظمی بروجردی به خاک پای عزاداران تبرک نجستند؟!

- کسانی که چه بسا گنهکار بودند، الآن که به هیئت آمده‌اند، باید پیش خودمان بگوییم «پاک شده‌اند»؛ حالا این زائر امام حسین(ع) که اصلاً گناهی در پرونده‌اش نیست، چه جایگاهی دارد! ببینید چگونه باید به این عزاداران حسینی خدمت کرد! مردم به جای اینکه آن غرور را دور پلک چشمان شما ببینند، باید مهربانی و تواضع را ببینند.
- شاید بتوانم به پیرغلامان اباعبدالله(ع) و کسانی که یک عمر به عزاداران امام حسین(ع) خدمت کرده‌اند هم عرض کنم: شما بیشتر از گنهکارها و عرق خورها به امام حسین(ع) بدهکار هستید. آن شراب خور که چیزی از امام حسین(ع) نگرفته است! ولی شما گرفته‌اید؛ هم برای دین تان آبرو نزد خدا پیدا کرده‌اید و هم برای دنیای تان آبرو در جامعه مومنان یافته‌اید، پس خودمان را نگیریم و غرور نداشته باشیم! ای کسی که ۷۰ سال برای امام حسین(ع) گریه کرده‌ای! یک وقت فکر نکنی که می‌توانی بدهی خودت به اباعبدالله الحسین(ع) را به سادگی تسویه کنی!
- پیامبر اکرم(ص) یک بار -خطاب به کسانی که اطراف ایشان بودند- فرمود: من شیرینی و حلاوت عبادت را در شما نمی‌بینم. گفتند شیرینی عبادت چیست؟ حضرت فرمودند: تواضع(ما لی لا اری علیکم حلاوة العبادة؟! قالوا: و ما حلاوة العبادة؟ قال: التواضع؛ تنبیه الخواطر ۱/۲۰۱)

تواضع خواهران در امر خادمی، پراهمیت‌تر است

- خواهرانی که در هیئت خدمت می‌کنند، باید بیشتر مراقب این مسئله باشند، چون خانم‌ها نسبت به همدیگر، چه بسا حساس‌تر باشند و ممکن است به سرعت به آن‌ها بر بخورد. لذا تواضع و محبت خواهران در مسئله خادمی باید به صورت خاص مورد توجه قرار بگیرد.
- اگر ما همین هیئت خودمان را درست اداره کنیم، کافی است و آثار و برکات آن، همه‌جا را فرا خواهد گرفت. مگر امام حسین(ع) چند تا یار می‌خواستند؟ این همه غوغا را با ۷۲ نفر به پا کردند؛ البته یاران خالص و خلص! هر کار کوچکی که به امام حسین(ع) متصل بشود، در واقع به اقیانوس متصل شده است.
- به این مسأله هم توجه کنید که اگر گاهی اوقات یک شخص عزیزی از هیئت شما تعریف می‌کند، برای این است که در جاهای دیگر، کم کار شده یا خوب کار نشده است؛ نه اینکه کار شما خیلی خوب است! پس به خاطر این تعریف‌ها، مغرور نشوید و اگر فکر می‌کنید که جلسه شما جلسه خوبی است، به خودتان بگویید: «اگر هیئت ما واقعاً هیئت خوبی بود، امام زمان(عج) را می‌آورد!» پس تا وقتی حضرت تشریف



نیاورده‌اند، معلوم می‌شود هنوز به آن نقطه مطلوب نرسیده‌اید؛ هرچند این هیئت دارد به سمت اهدافش پیش می‌رود.

سطح انتظار از خودتان را بالا ببرید تا تواضع پیدا کنید

- برای بالا بردن تواضع پیش خودتان، سطح انتظار از خودتان را بالا ببرید. کلاً اگر هدف را خیلی مقدس و عزیز بدانیم، هیچگاه از خودمان را ضعیف نخواهیم شد. مثلاً از خودتان انتظار داشته باشید که مقدمات فرج را فراهم کنید و موجب تعجیل فرج حضرت بشوید.
- ما که همین طوری دورهم جمع نشده‌ایم! ما جمع شده‌ایم تا مقدمات ظهور حضرت حجت (عج) را فراهم کنیم، لذا تا وقتی که فرج حاصل نشده، خود را مقصر می‌دانیم. ما انتظارمان از خودمان خیلی بالاست و برای رسیدن به این اهداف والا باید فداکاری کنیم. البته هر یک از ما، کار و زندگی خودمان را داریم ولی باید برای امام حسین (ع) به وسط میدان بیاییم.

نکته سوم

«توجه و تمرکز» در هیئت بسیار لازم است؛ همه چیز باید فدای «توجه» شود

- یک نکته مهم در هیئت، فراهم آوردن زمینه «توجه و تمرکز» مخاطبان است. هیئت را باید به گونه‌ای بچینیم که «مقدار توجه و تمرکز» بالا برود. البته بنده - به عنوان سخنران - باید طوری سخنرانی کنم که توجه افراد، جلب بشود، و همین طور مداح محترم جلسه. اما نقش اداره‌کنندگان در زمینه‌سازی توجه بهتر، بسیار زیاد است.
- «توجه و تمرکز» در هیئت خیلی مهم است و در هر برنامه و رفتاری در هیئت باید ملاحظه این «توجه و تمرکز» بشود. چون هدف از همه این کارها در هیئت، اثرگذاری معنوی است و تأثیر معنوی یک جلسه خیلی به توجه و تمرکز بستگی دارد. مثلاً اگر دیدید در وسط مراسم، چای دادن باعث می‌شود توجه و تمرکز مردم از بین برود، این کار را انجام ندهید.

بلند صحبت کردن خدام هیئت

- به عنوان مثال، این طور نباشد که خادمین با صدای بلند صحبت کنند و مثلاً بگویند: «آقا! آنجا ننشینید... آقا از آنجا عبور نکنید...» این باعث می‌شود حواس مردم پرت شود و تمرکز آن‌ها از بین برود. هیچ

عاملی نباید حواس مردم را پرت بکند. تمرکز جلسه، یک اثری بر روی افراد دارد که اثرش چه بسا از محتوای جلسه هم بهتر باشد.

- یکی از آداب هیئت‌داری این است که خدام باهم بلند صحبت نکنند، و حتی می‌توانید به‌جایی برسید که خدام اصلاً باهم صحبت نکنند. رعایت این آداب خیلی مهم است. البته هماهنگی‌ها باید از قبل، بین خودتان انجام شده باشد، تا در هنگام جلسه و در حضور مردم، کمترین تبادل نظر و گفتگو انجام شود.

فشرده‌نشینی و جا دادن بیش از حد مردم

- یکی از کارهایی که حواس مردم را پرت می‌کند، این است که وسط هیئت مدام بگویید: «بلند شوید بروید جلو، فشرده بنشینید تا دیگران هم جا بشوند!» نمی‌دانم این بعضی‌ها چه اصراری دارند که همه را به‌زور در داخل هیئت جا کنند! خُب اگر مردم خیلی فشرده بنشینند، طبیعتاً پاهایشان درد می‌گیرد و تمرکزشان را از دست می‌دهند. اجازه بدهید راحت باشند و بازتر بنشینند.
- اگر خواستی به کسی بگویی «بلند شو برو جلو» اما دیدی که او غرق بحث است و دارد به سخنرانی گوش می‌دهد، دیگر به او کاری نداشته باش. خُب کسی که زودتر آمده، نباید بخاطر کسانی که دیر آمده‌اند، حواسش را پرت کرد.
- گاهی اداره‌کنندگان برخی جلسات، افراد را راهنمایی می‌کنند که بروند «جلو بنشینند» چرا که جلوی مجلس مقداری جا برای افراد هست. اما این کار، خیلی موجب حواس‌پرتی مردمی می‌شود که مدتی است در جلسه نشسته‌اند.

مهدکودک برای نگهداری از بچه‌ها

- در بعضی از هیئت‌ها، خیلی از گلایه‌های مردم - که به هیئت می‌آیند - درباره بچه‌هاست. برخی از مردم می‌گویند: «شما که می‌گویید بچه بیاورید، حالا ما بچه آوردیم ولی اذیت شدیم، مراسم هیئت را از دست دادیم و نتوانستیم استفاده کنیم» لذا تا حد امکان، باید سعی کنیم یک جایی مثل مهدکودک، در کنار هیئت، برای بچه‌ها در نظر بگیریم تا کسانی که بچه‌هایشان را می‌آورند، در این چند ساعت، خیالشان از بابت بچه‌ها راحت باشد و اذیت نشوند.

آسیب‌های احتمالی زیاده‌شدن جمعیت هیئت

- در برخی هیئت‌ها که به هر دلیلی مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند و جمعیت زیادی می‌آیند، طبیعتاً گاهی یک افراد غریبه‌ای هم می‌آیند که زیاد اهل هیئت نیستند. این افراد آسیب‌پذیری خیلی بالایی دارند و آستانه تحمل‌شان پایین است. حالا این افراد چرا می‌آیند؟ مثلاً ممکن است کسی به درخواست

دخترش، مادرش، خواهرش، یا هم سرش به هیئت آمده با شد. مثلاً مادرش گفته: «دخترم! به هر قیمتی شده باید امشب به این هیئت برویم...» و حالا این دختر که راضی به آمدن نبوده، برای اینکه تنها نباشد، دوست خودش را هم به هیئت آورده است ولی از اول تا آخر، با دوستش حرف می‌زند. و این مسائل چقدر اثر جلسه را پایین می‌آورد! این‌ها آثار سوء زیاد شدن جمعیت است. و از طرف دیگر، کسانی که با اشتیاق به هیئت می‌آیند، توجه‌شان زیاد است و آثار مثبت جلسه هیئت را بالا می‌برد.

- برخی از این افراد غریبه‌ای که به هیئت می‌آیند، آستانه تحمل‌شان پایین است. البته این غریبه بودن هم اقسامی دارد؛ برخی از آن‌ها اعتراض می‌کنند و برخی اعتراض نمی‌کنند. شما باید این مسائل را در بحث جمعیت‌شناسی هیئت خودتان در نظر بگیرید.
- برخورد شما با افراد دائمی جلسه با کسانی که تازه به جلسه آمده‌اند (و چه بسا اجباری به جلسه آمده‌اند) باید متفاوت باشد. و همه جوانب را در نظر بگیرید. البته رعیت این نکات، مقداری دشوار است. بعضی وقتها فکر می‌کنید مخاطب شما خیلی علاقه‌مند به هیئت است، و صمیمانه و خودمانی، یا عتاب‌آلود، یک حرفی را به او می‌گویید، اما بعد متوجه می‌شوید که اتفاقاً او اصلاً برای شما تره هم خرد نمی‌کند! لذا این برخوردها عوارض خوبی ندارد. شما باید با همه، با احتیاط و احترام برخورد کنید.

نکته چهارم

بهره‌برداری حداکثری از فرصت هیئت

- هیئت و مجلس امام حسین(ع) مثل شیر خام است که می‌توان از آن فرآورده‌های لینی بسیاری تهیه کرد؛ اما معمولاً ما حد نهایت استفاده را از آن نمی‌بریم. ما نه فقط با هیئت، بلکه با خود امام حسین(ع) هم حداقلی برخورد می‌کنیم! از این شیر خام تا به حال فقط توانسته‌ایم یک اربعین دربیابوریم. اربعین با آن همه عظمت، فقط یک جلوه کوچک از جلوات امام حسین(ع) است.
- برخی هیئات صندوق قرض الحسنه دارند این خیلی خوب است. اردوهای زیارتی هیئات، بویژه سفر مقدس اربعین که هیئت‌ها برگزار می‌کنند، بسیار ارزشمند است. مردم می‌توانند با هیئات زندگی کنند و زندگی خود را زیباتر کنند.



- مثلاً به کسانی که پار سال مجرد به هیئت می‌آمدند و امسال مزدوج شده‌اند و با هم سرشان به هیئت می‌آیند، اگر بشود، هدایایی تقدیم کنید. به این ترتیب خانواده‌ها را تحت پوشش هیئت قرار داده‌اید. البته این کار برای هیئت‌های بزرگ ممکن نیست و یا خیلی سخت است.

هیئت، محله معنوی افراد است

- تشویق خانواده‌های جوانی که بچه‌دار شده‌اند یا تعداد فرزندان‌شان زیاد است یکی از اقدامات بسیار شایسته است. به هر حال هیئت، محله معنوی افراد است و افراد هیئتی باید در محله معنوی خود شان مورد محبت قرار بگیرند و به رفتارهای شایسته آنها بی‌اعتنایی نشود بلکه از آن، الگوسازی صورت بگیرد.
- یا مثلاً می‌توانید در هیئت خودتان عکاس خانه‌ای راه بیندازید که مردم با بچه‌هایشان بیایند و با لباس خادمی هیئت و یا با دکور سال قبل هیئت، در آنجا عکس بگیرند. آنها طبیعتاً با ذوق و سلیقه‌ای که دارند، این عکس را برای بچه خودشان نگه می‌دارند؛ به این واسطه شما تا درون خانه‌های مردم و تاریخ خاطرات زندگی آنها حضور پیدا کرده‌اید.

«پیک دعوت» برای مردم محله

- بسیاری از مردمی که اهل هیئت نیستند در سوءتفاهم مطلق به سر می‌برند و شما بسیاری از این سوءتفاهم‌ها را باید به صورت چهره‌به‌چهره و با رفتارتان حل کنید. یعنی باید با تک‌تک مردم ارتباط بگیرید و گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره انجام دهید. نباید نسبت به این مردم بی‌تفاوت باشید. یک عارفی داشت از دنیا می‌رفت و گریه می‌کرد، از او پرسیدند که چرا گریه می‌کنی؟ گفت: اگر خدا در آن دنیا از من سؤال کند که مثلاً «آن آدم ژاپنی چرا مسلمان نشد؟» من چه خاکی بر سرم بریزم؟!
- ما وظیفه داریم تا آنجا که می‌توانیم افراد غیر هیئتی را به مجلس امام حسین (ع) جذب کنیم. امام حسین قوی‌ترین عامل هدایت ما انسانهاست. اگر این راه به روی بعضی‌ها بسته بماند و کمک به گشودن این راه نکنیم دیگر چه راهی برای سعادت افراد باز خواهد شد؟! برای این منظور، کارهای زیادی می‌شود انجام داد.
- مثلاً چند روز قبل از محرم، یک‌سری هدایا آماده کنید و بروید در خانه تک‌تک همسایه‌ها را بزنید و از آن‌ها دعوت کنید که به مجلس عزا بیایند؛ هدایایی که به خاطر زیبایی آن، طرف نتواند آن را دور بیندازد؛ حتی اگر با مرام شما موافق نباشد. شما باید برای همه مردم منطقه خودتان «پیک دعوت» داشته باشید و چند روز قبل از دهه محرم به همه دعوت‌نامه اهدا کنید. حتی می‌توانید شماره اهالی محله را داشته باشید و مثلاً در طول سال از طرف هیئت، چند پیامک برای آن‌ها بفرستید.